

دکتر حسین بحر العلومی

گروه زبان و ادبیات فارسی

بمناسبت درگذشت
دکتر فیلیس اکرمین پوپ

ایران‌شناسی که به ایران عشق می‌ورزید و بزرگترین آرزویش این بود که در ایران بخاک سپرده شود



پرفسور آرتور اپهام پوپ^۱ مؤلف کتاب بسیار نفیس بررسی هنر ایران^۲ از خاورشناسان بنام جهان و از علاقه‌مندان واقعی به هنر و مفاخر ایران بود. وی در سال ۲۴۸۴ (۱۳۰۴ ه.ش.) برای نخستین بار به ایران آمد و سخنرانی جامعی درباره گذشته و آینده صنایع ایران ایراد کرد و در همان هنگام ترجمه آن در رساله‌ای در ۲۶ صفحه بوسیله وزارت معارف چاپ شد. در مقدمه‌ای که بر آن رساله نوشته شده چنین آمده است: «در ابتدای سال جاری پرفسور

پرفسور پوپ

پوپ متخصص صنایع اسلامی در دارالصنایع شیکاگو، برای معاینه آثار صنعتی به ایران آمد و در روز چهارشنبه دوم اردیبهشت در منزل آقای جعفر قلی‌خان-

1- Arthur Upham Pope.

2- A survey of Persian ART.

این کتاب از سال ۲۴۹۷ (۱۳۱۷ ه.ش.) تا سال ۲۴۹۸ (۱۳۱۸ ه.ش.) در شش مجلد بچاپ رسیده است.

اسعد بختیاری وزیر پست و تلگراف^۱ در حضور حضرت اشرف آقای رضاخان پهلوی رئیس الوزراء^۲ و رئیس محترم مجلس و هیئت دولت و جمعی از نمایندگان مجلس شورای ملی و مدعوین محترم و کانی آمریکائی در تهران پس از اینکه از طرف آقای میرزا حسین خان علاء وزیر مختار سابق ایران در آمریکا و نماینده مجلس شورای ملی معرفی گردید خطابه ذیل را راجع به گذشته و آتیه صنایع ایران به زبان انگلیسی ایراد و آقای میرزا عیسی خان صدیق آن را به فارسی ترجمه کردند.»

این سخنرانی از عمیقترین و مهیجترین سخنرانیها درباره صنایع ایران بود که در آن جنبه‌های مختلف صنعت و هنر ایران مورد بحث و مطالعه قرار گرفت و رئوس مطالب آن پس از مقدمه عبارت بود از: ادوار صنعتی، عوامل موجوده نفوذ صنایع ایران، بعضی از کمیزات صنایع ایران، موازین صنایع ایران، وضعیت فعلی صنایع ایران، اقدامات عملی برای تجدید حیات صنایع ایران عقاید غلطی که تجدید حیات صنایع ایران را به تعویق می‌اندازد.

وی در مقدمه گفتار خود یاد آور شد که «... متجاوز از دو هزار سال است که دنیای متمدن قدیم و جدید با لفظ و پول قریحه ایرانی را در زیبایی تقدیر کرده است. در ایام روم قدیم غنی‌ترین بزرگان آن مملکت، مبالغ گزاف برای قطعه کوچکی از پارچه‌های دوره ساسانی که حتی امروز عظمت و زینت آنها ما را تهییج می‌کند خرج می‌کردند. چین و ژاپن به وسایل مختلف از ایران اقتباسات صنعتی می‌کردند. در میناکاری و رنگ آمیزی، در کاشی‌سازی و

۱ - تالار بزرگ خانه سردار اسعد که محل سخنرانی بود اکنون تالار باشگاه بانک ملی ایران است.

۲ - اعلیحضرت رضاشاه کبیر در آن هنگام سردار سپه و نخست وزیر و وزیر جنگ و فرمانده کل قوا بودند و هفت ماه بعد به سلطنت رسیدند.

پارچه بافی چین مدیون ایران است. معماری و نقاشی و بدایع ادبی هند شمالی مستقیماً در تحت نظر صنعتگران ایران ایجاد گردید. در زمان سلجوقیان آسیای صغیر دارای صنعت با اهمیتی شد که تقریباً تمام آن کارمعلمین و اهل حرفه ایران بود. تقریباً همه صنایعی که منسوب به ترك است اصلاً ایرانی است.... صنعت ایران بزرگترین سرمایه این مملکت بوده زیرا نه فقط ثروت حیثیت برای آن بوجود آورده بلکه در هر دوره و هر جا برای ایران دوستان فراهم کرده و امروز هیچ مملکت متمدنی نیست که مجموعه‌یی از صنایع ایران نداشته باشد.... در رشته صنایع به درجه عالی رسیدن کار کوچکی نیست^۱ و ی در مورد ادوار صنعتی به معماری حیرت آور کاخهای عهد هخامنشی اشاره کرده و گفته است: سقف‌ها و سرتیرها را از فلزات درخشان پوشانده بودند، ستونها و دیوارها را با کاشیهای طلائی و مینائی تزیین کرده بودند، کف تالارها را از کاشیهای خوش رنگ عالی فرش کرده بودند، طاقهارا به طرز ماهرانه‌ای با سدر و آبنوس و عاج که فوق‌العاده مزین به الوان درخشان و طلاکاری بود ساخته بودند، پرده‌ها به دیوارها آویخته و بر روی هم تمام فضا پر بود از جلال و عظمت. درباره صنایع دوره صفویه اشاره کرده است که این مسأله صحت ندارد که صنایع بزرگ ایران منحصر به ما قبل اسلام است....

یونانیهای قدیم که از جلال و شکوه البسه ایرانی در تحیر بوده‌اند اگر لباس شاهزادگان ایرانی را در زمان شاه عباس می‌دیدند چه می‌گفتند؟ زری‌هایی که از طلا و نقره ساخته شده بود و همچون مسوادمایع در حرکت بود و بنظر نرم می‌آمد و در روی آنها نقش‌های عالی و زیبا باسلیقه و تناسب طرح شده بود. خلاصه آنکه سراسر این خطا به آموزنده، جالب، مهیج و

غوررانگیز است.^۱

در سال ۱۳۳۹ ه. ش. کنگره بین‌المللی هنر و باستانشناسی ایران در نیویورک و واشنگتن تشکیل شد و از ایران ده تن از استادان دانشگاه به ریاست آقای دکتر صدیق در این کنگره شرکت داشتند. پرفسور پوپ در همانجا از ریاست هیأت ایرانی خواست که از حضور شاهنشاه تقاضا کند که اجازه فرمایند نادر وصیت‌نامه‌اش قید کند که پس از مرگ جسد او به ایران حمل و در اصفهان دفن شود، وی گفت:

«من اکنون در آستانه هشتادمین سال عمر خود قرار دارم و می‌خواهم وصیت کنم، آرزوی من این است که جسد من در ایران به خاک سپرده شود تا آیندگان از ستایش من نسبت به ایران و هنرمندان و متفکران بزرگی که در دامان خود پرورده است مستقیماً و به رأی‌العین آگاه شوند و قدر و مقام این مملکت را بدانند. من بر اثر مطالعات و تحقیقات و مشاهدات خود ضمن ۲۰ سفر به ایران ستایش بیحد و عشق بی‌ریا نسبت به ایران پیدا کرده و زیبا دوستی و انسانیت و قدرشناسی ایران چندان مرا مسحور کرده که می‌خواهم این ستایش و عشق را در آینده در مردم سایر ممالک نیز ایجاد کنم، خواهش می‌کنم مراتب را بعرض شاهنشاه برسانید و اجازه بگیرید که من در وصیت‌نامه خود قید کنم که جنازه مرا در اصفهان بخاک بسپارند^۲، پس از مراجعت هیأت مراتب بعرض شاهنشاه رسید و برای تأمین نظر او به وزارت فرهنگ و انجمن آثار ملی

۱- آقای دکتر صدیق نقل می‌کردند که پرفسور پوپ درباره گنبد شیخ لطف‌الله و اهمیت آن صحبت کرد و افزود که اخیراً این گنبد عظیم و بی‌نظیر را دیده‌است که قسمتی از کاشیهای آن ریخته و وضع نابسامانی دارد. اعلیحضرت رضاشاه کبیر دستور دادند تا به خرج خودشان تعمیرات گنبد انجام گردد بعدها هم مقرر فرمودند در تهران بر روی کاخ مرمر نظیر گنبد شیخ لطف‌الله ساخته شود و البته این امر چند سال بطول انجامید.

۲- کتاب یادگار عمر، جلد سوم، ص ۳۶۹.

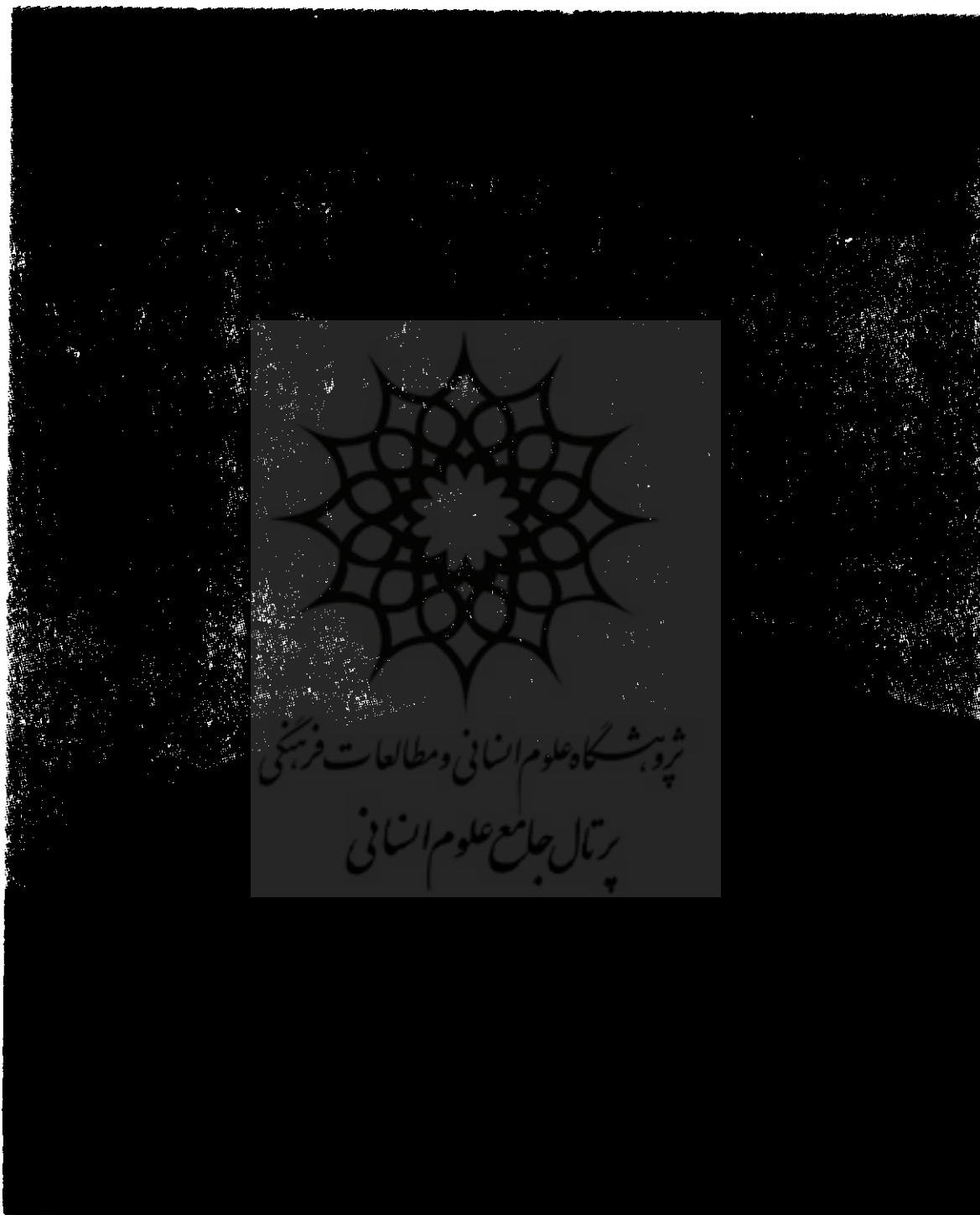
دستور لازم صادر گردید و پس از مکاتبه و مذاکره با استاندار و شهردار اصفهان در باغ شهرداری در ساحل زاینده رود، در شمال شرقی پل خواجه زمین مناسبی برای این منظور انتخاب گردید.

در تاریخ ۱۴ مهرماه ۲۵۲۴ (۱۳۴۴.ش.) مطابق با ششم اکتبر ۱۹۶۵ پرفسور پوپ از وارن، ایالت کنتیکوت، ایالات متحده امریکانامه‌ای به آقای دکتر صدیق‌نایب رئیس هیأت مؤسسين انجمن آثار ملی نوشت و علل آرزو مندیش را به این امر که در ایران و در شهر اصفهان بخاک سپرده شود شرح داد که ملخص ترجمه آن چنین است:

«... اصفهان مورد عشق مخصوص من است، در آنجا مهمترین کارهای خود را انجام داده و بزرگترین سعادت را درک کرده‌ام... منظور عمده من از انتخاب آخرین منزل در اصفهان این است که به مردم ایران نشان داده شود که اندیشمندان بزرگ و هنرمندان و سخنوران و رهبران اخلاق و دانشمندان آنها چنان اوصاف و خصائلی دارند که باعث ژرف‌ترین ستایش متفکران سایر کشورهاست، تا آنجا که می‌خواهند ابراز حق‌گزاری و اخلاص آنها تنها زبانی نباشد بلکه به زواری که از سایر اقطار عالم بدانجا می‌آیند ثابت کنند که اگر کسی در ایران بخاک سپرده شد به این علت نیست که تصادفاً در آنجا جهان را بدرود گفته بلکه بر اثر اعتقاد راسخ به مقدس بودن آن سرزمین است و برای کسانی که به مقام معنوی ایران پی برده‌اند مزیت و افتخاری است که ایران را آخرین منزل خود قرار داده‌اند تا بدینوسیله ایمان خود را به سرزمین و مردان بزرگی که آن را طی قرن‌ها بوجود آورده‌اند و آینده با افتخاری که برای آن پیشگوئی می‌کنند ابراز دارند.»

به هنگام تشکیل پنجمین کنگره بین‌المللی هنر و باستان‌شناسی ایران در تهران و اصفهان و شیراز در فروردین ۱۳۴۷ پرفسور پوپ که ریاست کنگره را بعهده داشت در اصفهان از باغ شهرداری وزمینی که برای آرامگاه او انتخاب

شده بود دیدن کرد و مراتب امتنان خود را کتبی و شفاهی ابراز داشت. آقای مهندس محسن فروغی نقشه آرامگاه را طبق تمایل پرفسور پوپ به اسلوب معماری قرن پنجم هجری تهیه نمود و مورد تحسین پرفسور واقع گردید. پس از



تهیه مقدمات لازم در تاریخ ۱۸ اردیبهشت ماه ۲۵۲۹ (۱۳۴۹ ه.ش.) عملیات ساختمان آرامگاه بر مبنای نقشه تهیه شده بوسیله آقای مهندس فروغی و نظارت دفتر فنی سازمان ملی حفاظت آثار باستانی اصفهان و شادروان معارفی معمار آغاز گردید و تا سال ۲۵۳۱ آرامگاه ساخته شد و در اواسط آن سال کاشیکاریهای داخلی، نصب سنگ قبرها و ترتیب فضای اطراف آرامگاه و تزئینات دیگر به پایان رسید.

آرامگاه بر روی سکوئی بنا شده که تا سطح زمین در حدود ۶۰ سانتیمتر ارتفاع دارد و از سنگ تیشه‌ای مفروش شده و بوسیله پله‌هایی که در اطراف تعبیه شده است به بالای آن می‌رسند. در خارج آرامگاه و گرداگرد آن ایوانی می‌باشد و ساختمان بصورت اطاق مستطیل شکلی است که طول آن شش و عرض آن سه متر می‌باشد و حدود ۵ متر ارتفاع دارد، در سمت مشرق و مغرب دو درگاه طاق و چشمه‌ای مشبک از آجر و کاشی و در سمت شمال یک درگاه به همین وضع می‌باشد و اطراف هر درگاه حاشیه‌ای است که با کاشی و آجر تزئین یافته است. از راه آرامگاه به ارتفاع سی سانتیمتر از سنگ تیشه‌ای است و در ورودی آرامگاه که در جنوب واقع است از چوب و به سبک دره‌های دوره صفویه با آلت تزئین شده و عمل حسن عشاقی نجار اداره فرهنگ و هنر اصفهان می‌باشد. نمای آرامگاه از آجر و بنا دارای دو گنبد از سنگ تیشه‌ای است که در واقع یک گنبد بر فراز قبر پرفسور پوپ و یک گنبد بالای قبر همسر او می‌باشد.

داخل آرامگاه با سنگ تیشه‌ای مفروش است و قبری که در سمت جنوب آرامگاه است از شادروان پرفسور پوپ می‌باشد و سنگی به طول ۱/۶۰ متر و عرض ۵۰ سانتیمتر از نوع سنگ گرانیت مرغوب اصفهان بر روی قبر می‌باشد و بر آن نوشته‌اند:



آرامگاه پرفسور پوپ و همسرش در اصفهان

آرامگاه

پرفسور پوپ ایران‌شناس نامور آمریکائی

۱۳۴۸ - ۱۲۶۰ هجری خورشیدی

ARTHUR UPHAM Pope

AMERICAN EXPERT

IN

PERSIAN ART

1881 - 1969

در ایران از آن جستم آرامگاه که تا باز دانند یاران راه
 که اندر جهان هر که دانشور است از این خاک پاکش به سرافسراست
 بر دیوار شمالی آرامگاه لوحه‌ای است از سنگ گرانیت مشکی و روی
 آن دو لوحه فلزی قرار دارد، یکی به زبان انگلیسی و دیگری ترجمه آن به
 زبان فارسی.

لوحه انگلیسی نامه‌ای است که پرفسور پوپ درباره علل آرزومندیش
 در به خاک سپرده شدن در اصفهان نوشته است.

در حاشیه گنبدها با خط نستعلیق با کاشی زمینه فیروزه‌ای این ابیات
 سروده استاد جلال‌الدین همایی نوشته شده است. کتیبه گنبد اول چنین است:

سزد ژرف در حال من بنگرید	شما ای که بر خاک من بگذرید
زبان درونم جز آثار نیست	کنونم که امکان گفتار نیست
ز خاکم شود راز دل آشکار	اگر چه نباشد زبانم بکار
بعشق هنر عمر در باخته	منم پیکری از هنر ساخته
به ایران زمینم سرآید زمان	مرا آرزو بود کاندر جهان
که تا باز دانند یاران راه	در ایران از آن جستم آرامگاه

که اندر جهان هر که دانشور است
از آنرو سپردم تن ایدر به خاک
و کتیبه گنبد دوم چنین است:

گزیدم از ایران زمین اصفهان
نهادم بر این تربت پاک سر
زدم خیمه در ساحل زنده رود
از آثار ملی به فرمان شاه
در این سرزمین تا بر آسوده ام
بود تا ز پیشینگان یاد بسود
چنان کرد باید که در روزگار
به پنجاه و سیصد پس از الف سال

پرفسور پوپ در سال ۲۵۲۵ (۱۳۴۵ ه. ش.) مؤسسه آسیائی را که مدتها
پیش برای پژوهش و تدریس فرهنگ آسیا بویژه ایران در نیویورک تأسیس کرده
بود به تصویب دولت به شیراز منتقل و وابسته به دانشگاه پهلوی کرد و خود و
همسرش در آنجا مشغول خدمت شدند.

پرفسور پوپ روز هشتم شهریور ۲۵۲۸ (۱۳۴۸ ه. ش.) دنیا را بدرود
گفت و جنازه اش به اصفهان حمل و در محل تعیین شده در باغ شهرداری با
احترامات شایسته به خاک سپرده شد.

دکتر فیلیس اکرمین پوپ همسر پرفسور پوپ نیز ساعت ۵ صبح روز
سه شنبه پنجم بهمن ماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی در سن ۸۶ سالگی در شیراز درگذشت
و جسدش به اصفهان حمل و در کنار همسرش پرفسور پوپ به خاک
سپرده شد.

کلکسیون فوق‌العاده ارزشمند آثار باستانی مربوط به ایران و کلیه اشیاء و کتابهای با ارزشی که در منزل این زن و شوهر نگهداری می‌شد بنابر وصیت دکتر فیلیس به دانشگاه پهلوی شیراز تعلق گرفت. از این زن و شوهر ایران‌شناس فرزندی باقی نمانده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی